

نگاهی به فرازیولوژی زبان روسی و مقایسه آن در زبان فارسی

حسین غلامی (دانشیار گروه زبان روسی دانشگاه تهران)

hgholamy@ut.ac.ir

حسن ایزانلو (دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تهران، نویسنده مسؤل)

izanloo@um.ac.ir

چکیده

در این مقاله سعی شده ویژگی‌های معنایی و دستوری عبارات خاصی از زبان، که معمولاً تحت عناوین مختلفی مانند "تمثیل"، "امثال و حکم"، "اصطلاحات"، "ضرب المثل‌ها"، "تعبیرات"، "کنایات" و سایر عبارات مشابه به صورت پراکنده و از دیدگاه‌های مختلف ادبی، مردم‌شناسی، فرهنگ‌شناسی، مثل‌شناسی، فولکلورشناسی و غیره، مورد تحقیق پژوهشگران قرار گرفته است، از منظر زبان‌شناسی و در قالب شاخه‌ای از این علم که در زبان‌شناسی روسی و تا حدودی غربی عنوان "فرازیولوژی" را به خود گرفته است مورد ارزیابی قرار گیرد. در ادامه "عبارت‌شناسی" به عنوان معادلی برای "فرازیولوژی" در زبان فارسی پیشنهاد شده و دلایل ارائه این پیشنهاد به تفکیک ذکر گردیده است. همچنین، آنچه را که در سرفصل‌های آموزشی رشته زبان روسی در دانشگاه‌های ایران با عنوان درس "اصطلاحات و تعبیرات" ارائه می‌شود مورد نقد قرار داده و پیشنهاد شده است عنوان درس از "اصطلاحات و تعبیرات" به "عبارت‌شناسی" تغییر باید. در نهایت هدف اصلی این مقاله فتح بابی است برای پاسخ صاحب‌نظران به این سوال اساسی که در زبان فارسی معادل دقیق *phraseologie* (فرانسوی)، *фразаеология* (روسی) و *Phraseologie* (آلمانی) چیست؟.

کلیدواژگان: فرازیولوژی، عبارت، اصطلاحات و تعبیرات، کنایه، ضرب المثل، امثال و حکم، تمثیل.

۱-مقدمه

فرازبولوژی (فرانسسه phraseologie، روسی фразеология، آلمانی Phraseologie)، از یونانی phrasis به معنای "عبارت" و logos به معنای "کلمه" شاخه ای از علم زبان‌شناسی است که به مطالعه عبارت‌های خاصی از واحدهای زبان می‌پردازد. اولین بار زبان‌شناس روسی به نام پالیوانف یوگینی دیمتریوچ (Евгений Дмитриевич Поливанов) فرازیولوژی را به عنوان شاخه ای از علم زبان‌شناسی به طور ویژه مورد پژوهش قرارداد. همچنان که تا قبل از آن موضوعاتی مانند "سبک شناسی"، "صرف شناسی"، "نحو شناسی"، "معنا شناسی"، "ریشه شناسی"، "آواشناسی" و "واج شناسی" و بسیاری از مقوله‌های دیگر به عنوان شاخه‌هایی از علم زبان‌شناسی به صورت مستقل مورد تحقیق و پژوهش قرار می‌گرفتند. پس از پالیوانف تعداد بسیار زیادی از محققان روسی پژوهش‌های بیشماری در باره علم فرازیولوژی به عمل آورده‌اند، به گونه ای که به جرات می‌توان گفت مطرح شدن فرازیولوژی به عنوان یک موضوع علمی مستقل در علم زبان‌شناسی در کنار سایر موضوعات زبانی از قبیل فونولوژی (آواشناسی)، مورفولوژی (صرف)، سیستکس (نحو) و غیره در وهله اول، مدیون پژوهش‌ها و مطالعات دانشمندان زبان‌شناس روسی است.

موضوع "عبارت‌های فرازیولوژیکی"^(۱) از جمله مقوله‌هایی است که همواره توجه زبان‌شناسان را به خود جلب کرده است. عبارت‌های فرازیولوژیکی معمولاً از دیدگاه سبک‌شناسی، معنا شناسی، دستوری و نحوی مورد مطالعه قرار گرفته و بر همین اساس، بسته به اینکه از چه منظری این عبارات مورد تحقیق قرار گرفته باشند ممکن است عناوین مختلفی مانند: "عبارت"، "ترکیب"، "اصطلاح"، "تعبیر"، "زبانزد"، "کلیشه (cliché/ клише)" و غیره به آنها نسبت داده شود؛ به عنوان مثال دستور نویسان از عنوان "عبارت" در این زمینه استفاده کرده و معتقد به وجود عبارات گفتاری اسمی و فعلی هستند. خود عبارات اسمی نیز شامل: عبارات اضافی (اضافه ملکی "کتاب پروین"، اضافه بیانی "انگشتر طلا"، اضافه اختصاصی "در باغ"، اضافه تشبیهی "لب لعل"، اضافه استعاری "دست سرنوشت"، عبارات توصیفی "گل سرخ"، عبارات بدلی "مرد چوپان"، عبارات عددی "سه کتاب"، عبارات متممی "برای شما"، عبارات مفعولی "کتاب را"، عبارات قیدی "بسیار دیر"، عبارات اسم فعلی "نان خود را خوردن" است.

عبارت درحقیقت گروهی از واژه‌ها هستند که با یکدیگر رابطه نحوی دارند، اما فاقد معنای کامل و مستقل هستند. یعنی جمله به شمار نمی‌آیند، بلکه جزء ساختمان جمله هستند. برخی عبارت را کوچک‌ترین واحد نحوی گفتار نامیده‌اند.

عبارت‌های موجود درسیستم واژگانی زبان معمولاً به دودسته تقسیم می‌شوند: ۱- عبارت‌های ناپایدار (ناستوار/آزاد). ۲- عبارت‌های پایدار(استوار/غیر آزاد).

عبارت‌های ناپایدار مانند بسیاری از نمونه‌هایی که در بالا به آن اشاره شد، به عبارت‌هایی اطلاق می‌شود که عناصر سازنده آن ثابت و معین نباشد، بلکه بتوان به جای یکی از اجزای آن در موارد جداگانه‌ای اجزای دیگری را به‌کاربرد؛ مانند: کتاب پروین - کتاب حسین، کیف پروین - کیف حسین، مداد پروین - مداد حسین و

به بیان دیگر، عبارت‌های ناپایدار گروهی از واژه‌ها هستند که دارای معنای محدود، مشخص و صریح هستند. مانند: حسین (حسین دانشجو، حسین دانشجوی سال سوم، حسین دانشجوی سال سوم رشته مدیریت، حسین دانشجوی سال سوم رشته مدیریت دانشگاه فردوسی، ...). دست‌نویسان این‌گونه ساختمان‌های زبانی را "ترکیب‌های اضافی" نامیده‌اند. اضافه حالتی است که نسبت بین دوکلمه یا دودسته از کلمه‌ها را با یکدیگر مشخص می‌کند.

● عبارت‌های پایدار یا غیر آزاد، گروهی از واژه‌های مشخص و معین هستند که با یکدیگر ترکیب می‌شوند و دچار هیچگونه کاهش، افزایش و یا تغییر نمی‌گردند. به عبارت دیگر، به جای هیچ یک از واژگان آن نمی‌توان واژه دیگری را جایگزین نمود. بر همین اساس می‌توان گفت عبارت‌های پایدار عبارت‌هایی هستند که از پیوند دو و یا بیشتر از دو کلمه تشکیل شده و به مرور زمان به شکل ضرب المثل و یا اصطلاح درآمده‌اند. عبارت‌های پایدار غالباً از نوع عبارت‌های اضافی و توصیفی است. عبارت‌های پایدار را کسی به خواست و سلیقه خود نمی‌تواند تغییر دهد و در همه محیط‌های جغرافیایی یک زبان به طور یکسان بکار می‌روند؛ مانند: "یک بام و دو هوا"، "مادر آستین"، "پاشنه آشیل"، "مگس پراندن"، "به دل گرفتن"، خواستن توانستن است"، "سبیل کسی را چرب کردن"، "پا توی کفش کسی کردن"، "هرکه بامش بیش برفش بیشتر" و ...

۲- تاریخچه پژوهش

تاکنون عبارت‌های پایدار معمولاً مورد توجه فرهنگ‌شناسان، فولکلورشناسان، جامعه‌شناسان، دستورنویسان و بسیاری دیگر از محققین علوم مختلف قرار گرفته است. اما در واقع تحقیق و پژوهش در باره عبارت‌های پایدار مربوط به حوزه علمی نسبتاً جدیدی است به نام "فرازیولوژی".

فرازیولوژی (فرانسسه *phraseologie*، روسی *фразеология*، از یونانی *phrasis* به معنای "عبارت" و *logos* به معنای "کلمه") شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که به مطالعه عبارت‌های خاصی از واحدهای زبان می‌پردازد. این اصطلاح را اولین بار یک زبان‌شناس سوئیسی فرانسوی الاصل به نام شارل بالی (Charles Bally ۱۸۶۵-۱۹۴۷) مطرح کرد. وی برای اولین بار به صورت نظام‌مند عبارت‌های خاصی از واحدهای زبانی را در کتاب "گزیده‌های سبک‌شناسی" و نیز "سبک‌شناسی زبان فرانسه" به ترتیب در سال ۱۹۰۵ و ۱۹۰۹ در فصل ویژه‌ای از این آثار تحت عنوان فرازیولوژی زبان فرانسه مورد بررسی قرار داد. بالی در اولین کتاب خود عبارات مورد نظر را در چهار دسته طبقه‌بندی می‌کند: ۱- عبارات آزاد یا ناپایدار (*les groupements libres*) مانند "پاشنه در" که هریک از دو جزء این عبارت را می‌توان جابجا کرد؛ مثل: "پاشنه کفش"، "دستگیره در". هریک از این سه عبارت دارای معنای خاص و کاملاً متفاوت می‌باشد؛ بدین معنا که با تغییر هر جزء عبارت معنای کلی آن نیز کاملاً عوض می‌شود؛ ۲- ترکیبات اولیه یا نیمه آزاد (*les groupements usuels*) مانند: "بیماری جدی" و یا "بیماری خطرناک". در این نوع عبارت با تغییر یکی از اجزاء عبارت می‌توان معنای کلی عبارت را همچنان تا حدودی حفظ کرد؛ ۳- عبارت همسان (*les series phraseologiques*). در این گونه عبارت اجزاء عبارت با همدیگر معنای یک کلمه را می‌دهد؛ مانند: "دست پیدا کردن" به معنای رسیدن، یافتن، "ارائه طریق" به معنای راهنمایی؛ ۴- عبارت واحد (*les unites phraseologiques*). در این گونه عبارت اجزای عبارت معنای اولیه و لغوی خود را کاملاً از دست داده و در ترکیب با همدیگر معنا و مفهوم جدیدی می‌دهد؛ به گونه‌ای که با عوض کردن هریک از اجزاء عبارت این معنا و مفهوم جدید نیز از بین خواهد رفت.

هرچند برخی از زبان‌شناسان آمریکایی، انگلیسی و آلمانی نیز مانند وینرچ (-۱۹۲۶ Uriel Weinreich

(۱۹۶۷)، مک کی (Makkai A. ۱۹۶۹)، اسمیت (Smit L.P. ۱۹۹۸) و هویزрман (Hausermann ۱۹۷۷)

نیز در آثار خود موضوع فرازیولوژی زبان را مورد بررسی قرار داده اند، اما این زبان شناسان در آثار خود بیشتر اشاره کلی به فرازیولوژی زبان نموده اند و مسائلی از قبیل ویژگی‌های معنایی و ساختار دستوری این گونه عبارات و معیارهای تمایز دهنده آنها را از سایر واحدهای زبانی (مثل کلمه) کمتر مورد بررسی قرار داده اند. به طور کلی این گروه از زبان شناسان غربی فرازیولوژی را به عنوان رشته علمی مستقل مورد پژوهش قرار نمی دهند بلکه آن را چارچوب پژوهش‌های کلی مربوط به حوزه‌های سبک شناسی و معنا شناسی زبان مورد بحث قرار می دهند. شارل بالی در آثار خود از "فرازیولوژی" به عنوان "بخشی از سبک شناسی که به بررسی عبارات ترکیبی می پردازد" نام می برد. مطالعه و پژوهش در باره ضرب المثل‌ها در آثار دانشمندان غربی و اروپایی به طور سستی در قالب پژوهش‌های مربوط به فولکلورشناسی صورت گرفته است. در برخی از فرهنگ لغت‌های تفسیری زبان انگلیسی مانند "آکسفورد" و "فرهنگ آموزشی هورنبی" و نیز فرهنگ لغت

The Random House Dictionary of the English Language

موضوع فرازیولوژی به طور خاص مورد بررسی قرار گرفته است.

زبان‌شناس روسی به نام پالیوانف یوگینی دیمتریویچ برای اولین بار فرازیولوژی را به عنوان شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی به طور ویژه مورد پژوهش قرار داد. همچنان که تا قبل از آن موضوعاتی مانند "سبک شناسی"، "صرف شناسی"، "نحو شناسی"، "معنا شناسی"، "اشتقاق شناسی"، "ریشه شناسی"، "آواشناسی"، "واج شناسی" و بسیاری از مقوله‌های دیگر به عنوان شاخه‌هایی از علم زبان‌شناسی به صورت مستقل مورد تحقیق و پژوهش قرار می گرفتند. وی نام دیگر فرازیولوژی را "اصطلاح شناسی (идиоматика)" گذاشت. پس از پالیوانف دو زبان شناس روس به نام‌های "بوریس الکساندروویچ لارین" و "ویکتور ولادیمیرویچ ویناگراداف" مطالعات زیادی را روی موضوع فرازیولوژی زبان و به ویژه فرازیولوژی زبان روسی انجام دادند و این به منزله آغازی بود برای پژوهش‌های بیشماری که از آن به بعد از سوی محققین زبان شناس روسی درباره علم فرازیولوژی به عمل آمد و تاکنون نیز ادامه دارد.

لارین (Ларин, ۱۹۵۶) در کتاب "فرازیولوژی زبان" این گونه می نویسد: "هرچند فرازیولوژی به عنوان یک رشته علمی مستقل هنوز جای پای خود را باز نکرده است و مانند میوه‌ای نارس می ماند، لیکن

به نظر می رسد زمان آن فرارسیده است تا فرازیولوژی به عنوان یک موضوع علمی مستقل از موضوعاتی مانند سبک شناسی، معنا شناسی و نحو شناسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد."

به جرات می توان گفت مطرح شدن فرازیولوژی به عنوان یک موضوع علمی مستقل در علم زبان شناسی در کنار سایر موضوعات زبانی از قبیل فونولوژی (آواشناسی)، مورفولوژی (صرف)، سینتکس (نحو) و غیره در وهله اول مدیون پژوهش ها و مطالعات دانشمندان زبان شناس روسی است. طبق پژوهش های کتابشناسی که دو تن از محققین روسی به نام های رویزنزون و پکлер در کتاب "مسائل فرازیولوژی" در سال ۱۹۶۵ در تاشکند منتشر نموده اند (Ройзензон Л. И., Пеклер М. А., ۱۹۶۵). همچنین طبق پژوهش های کتابشناسی که توسط رویزنزون و بوشوی در سال ۱۹۷۰ در سمرقند (Ройзензон Л. И., Бушуй А. М., ۱۹۷۰) در خصوص این موضوع منتشر شده است در فاصله سال های ۱۹۱۸ تا ۱۹۸۶ بیش از ۱۵۲۲۵ کار پژوهشی (شامل کتاب های آموزشی، فرهنگ لغت، پایان نامه های علمی، مقاله و غیره) از سوی محققین روسی در باره فرازیولوژی زبان انجام گرفته است.

افرادی مانند: آباکوم اف، آوالیانی، آموسوا، آپرسیان، آرخانگلسکی، آخمانوا، بابکین، بادوئن دیکورتونه، بولاخوفسکی، گاورین، گیوزداری اف، دال، ژوک اف، عیساچنکو، کارپ اف، کودوخ اف، کاپیلینکا، کوکین، لمانوسف، ماکی ین کا، مالات کوف، نازاریان، پیشکوفسکی، پوپ اف، پاتینیا، رفورماتسکی، رتسکر، روزیزون، سمیرنیتسکی، سرزنوفسکی، تاگی اف، تیلیا، تولیکینا، تارپسف، عوشاکف، فیدوسف، فارتونات اف، چرنیشوا، شانسکی، شاخمات اف، شمیل یوف، شیریا، یاکوبینسکی، یانکو ترینیتسکیا (اسامی به ترتیب الفبا نوشته شده است) و بسیاری از محققین دیگر روسی سهم به سزایی در تکامل فرازیولوژی و نهایتا مطرح شدن آن در فاصله سال های ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ به عنوان "علم فرازیولوژی" داشته اند. سال ها قبل از اینکه فرازیولوژی به عنوان یک رشته مستقل توجه زبان شناسان را به خود جلب کند پاتینیا، بادوئن دیکورتونه و شاخمات اف در مطالعات زبان شناسی خود توجه ویژه ای به گروهی از کلمات زبان (یا عباراتی از گفتار) داشتند که از نظر نحوی قابل تفکیک از یکدیگر نبودند و از نظر معنایی در ترکیب با یکدیگر دارای ارتباط تنگاتنگ بودند. پژوهش های این سه نفر در خصوص این گونه ترکیب های خاص در حقیقت پایه و اساس پژوهش های بعدی محققین در این زمینه قرار گرفت.

سهم پژوهشگران روسی در زمینه تجزیه و تحلیل فرازیولوژی زبان به حدی است که به نظر می‌رسد برخی محققین غربی با تاثیر پذیری از آثار علمی آنان این موضوع را مورد توجه قرار داده اند که به عنوان نمونه می‌توان به کتاب هویزمان (Häusermann, I., ۱۹۷۷) زبان شناس آلمانی اشاره کرد. نویسنده در این کتاب با تاثیر پذیری از مباحث مطرح شده در حوزه فرازیولوژی زبان روسی، برخی ویژگی‌های فرازیولوژی زبان آلمانی را از قبیل دامنه عبارات فرازیولوژی، طبقه بندی معنایی عبارات فرازیولوژی و نحوه شکل گیری آنها را در زبان آلمانی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۳- فرازیولوژی در زبان فارسی

وجود واژه‌های گرته برداری شده و یا وام گرفته شده در یک زبان در وهله اول می‌تواند نشانه خارجی بودن آن واژگان باشد. زبان فارسی نیز مانند سایر زبان‌ها از نفوذ واژه‌های خارجی درامان نبوده و مقصود ما نیز در این نوشتار نقد این موضوع نیست که گرته برداری و وام‌گیری تا چه اندازه و تا کجا به عنوان یک فرآیند طبیعی و پذیرفته شده در روند تکاملی زبان قابل قبول است و یا اینکه اقدامات متولیان زبان فارسی به ویژه فرهنگستان زبان فارسی در زمینه جلوگیری از ورود واژه‌های بیگانه و معادل‌یابی برای آنها تا چه حد موفق بوده است. بسیاری از واژه‌هایی که از زبان‌های بیگانه وارد زبان فارسی شده است نام و عنوان رشته‌های علمی است. امروزه عناوینی مانند بیولوژی (زیست‌شناسی)، رادیولوژی (پرتونگاری)، فیزیولوژی (اندام‌شناسی)، ایمنولوژی (ایمن‌شناسی)، هیدرولوژی (آب‌شناسی)، تکنولوژی (فناوری)، اپیدمیولوژی، بیو تکنولوژی، اکولوژی (محیط زیست)، نانو تکنولوژی، ایدئولوژی، میکروبیولوژی (میکروب‌شناسی)، فیلولوژی (زبان‌شناسی)، فونولوژی (آواشناسی)، اتیمولوژی (ریشه‌شناسی)، مورفولوژی (ریخت‌شناسی)، هماتولوژی (خون‌شناسی) و دهها عنوان مشابه دیگر نه تنها برای همه ما آشناست، بلکه به طور روزمره این عناوین را در سرکلاس، محل کار، کتاب‌های درسی، سمینارها، روزنامه و دیگر جاها بکار می‌بریم. هرچند از سوی فرهنگستان زبان فارسی برای بسیاری از این عناوین معادل‌های فارسی پیشنهاد شده است. آنچه هدف نگارندگان است توضیح این واقعیت است که وجود این واژه‌های بیگانه در زبان فارسی نشانه نفوذ آنها از زبان خارجی است. به عبارت دیگر این رشته‌های علمی در واقع ابتدا در خارج از قلمرو زبان فارسی مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته و پس از آن که به عنوان یک رشته علمی

پذیرفته شده‌اند تحت عناوین گوناگون نام گذاری شده و با ورود آن رشته علمی به سایر زبان‌ها و کاربرد آن در میان گویندگان آن زبان این نام گذاری‌ها نیز از زبان محقق به سایر زبان‌ها راه یافته است. با این توضیح اولین سوالی که در باره فرازیولوژی زبان فارسی می‌تواند مطرح باشد نام و یا معادل آن در زبان فارسی است. "اصطلاح"، "تعبیر"، "ترکیب"، "کنایه"، "مثل"، "ضرب المثل"، "حکمت"، "تمثیل"، "تلمیح"، "کلمات قصار"، "کلام جامع"، "زبانزد" و برخی دیگر از گونه‌های ادبی مشابه می‌توانند به عنوان زمینه‌هایی که علم فرازیولوژی به مطالعه و تحقیق آنها می‌پردازد قلمدادگردند. مقوله‌های یادشده تاکنون در زبان فارسی مورد تحقیق بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است و مقالات، سخنرانی‌ها و کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های زیادی در خصوص این موضوعات نگاشته شده است که به برخی از آنها در منابع این مقاله اشاره شده است. نکته مورد بحث ما در این گفتار در اینجاست که فارغ از اینکه تفاوت و تشابه هریک از عناوین یادشده (از نظر ساختاری، دستوری، معنایی و غیره) در چیست، این موضوعات در زبان فارسی نه در قالب یک موضوع (رشته) علمی خاص، بلکه در چارچوب سایر موضوعات و رشته‌های علمی متداول مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. این پژوهش‌ها غالباً بر پایه فولکلورشناسی، فرهنگ‌شناسی، جامعه‌شناسی و بعضاً زبان‌شناسی استوار بوده است.

سیر تحولات علوم انسانی، علوم طبیعی، علوم ریاضی و سایر علوم گواه این حقیقت است که جهت حرکت این علوم از کل به جزء بوده است. بدین معنا که ابتدا رشته و حوزه‌های علمی عمومی‌تر و کلی‌تر بوده و به مرور زمان در نتیجه تحقیق و پژوهش این رشته‌های علمی به زیرشاخه‌های تخصصی‌تر و ریزتری تقسیم شده‌اند. هزار سال پیش از این دانشمندی مانند ابوعلی سینا نه تنها به عنوان یک طبیب به مداوای انواع مختلف بیماری‌های روحی و جسمی بیماران خود می‌پرداخت، بلکه بر علوم دیگری مانند فلسفه، ریاضیات، موسیقی، و ادبیات تسلط داشت. با گذشت زمان و توسعه علم پزشکی امروزه نه تنها حوزه بیماری‌های روحی - روانی از بیماری‌های جسمی - فیزیکی تفکیک شده است، بلکه در هریک از این حوزه‌ها بیش از ده‌ها رشته و عنوان تخصصی از رشته‌های فوق تخصصی روانپزشکی و روانکاوی گرفته تا رشته‌های فوق تخصصی زانو و انگشتان دست ایجاد شده است. بدیهی است وجود ده‌ها رشته تخصصی که امروزه در حوزه علم پزشکی برای همه امری پذیرفته شده و عادی تلقی می‌شود به معنای انکار وجود زمینه‌های عملی مورد پژوهش این رشته‌ها در ادوار گذشته نیست؛ مثلاً نمی‌توان گفت که

چون قبلاً رشته تخصصی زانو و هیچ طبیعی با عنوان "متخصص زانو" وجود نداشته است پس واقعیتی هم به نام "مشکل و یا بیماری‌های زانو" عملاً وجود نداشته است.

هرچند چنانکه اشاره شد تاکنون عبارات‌های فرازیولوژیکی درچارچوب سایر رشته‌ها و مباحث علمی مورد بررسی قرار گرفته است، لیکن به نظر می‌رسد زمان آن فرارسیده است تا محققان و پژوهشگران این موضوعات را که غالباً به صورت پراکنده و جدا از هم مورد مطالعه قرار گرفته اند، در قالب یک رشته تخصصی علمی مورد ارزیابی و واکاوی قرار دهند.

۴- طبقه بندی عبارات فرازیولوژیکی

هرچند عبارات یا واحدهای فرازیولوژیکی هر زبانی را می‌توان از جهات گوناگون مورد بررسی قرارداد، اما معمولاً بیشتر محققین عبارات‌های فرازیولوژیکی را از سه منظر مورد پژوهش قراردادده اند: ۱- از نظر سبک شناسی؛ ۲- از نظر ژرفشناسی یا ریشه شناختی؛ ۳- از نظر ویژگی‌های معنایی

۴-۱- از نظر سبک شناسی

از نظر سبک گفتاری معمولاً عبارات فرازیولوژیکی را در سه گونه کلی دسته بندی می‌نمایند: الف) سبک ادبی (کتابی)؛ ب) سبک عامیانه (محاوره‌ای)؛ ج) سبک صنفی (حرفه‌ای).

۴-۱-۱- سبک ادبی

عبارت‌های پایداری که غالباً به صورت مکتوب در ادبیات هر قومی و بر پایه زبان معیار مورد استفاده قرار می‌گیرند، از نوع عبارت‌های دارای سبک ادبی هستند. همچنین وجود استعاره، ایجاز، وزن، جنبه‌های اندرزی، زمینه‌های حکمت آموز و کنایه در برخی از این عبارات (به ویژه عبارات تمثیلی) از جمله وجوه تمایز دهنده آنهاست. بر همین اساس، اکثر این عبارات برگرفته شده از آثار ادبی نویسندگان، شاعران و ادیبان یک جامعه می‌باشند و در پاره‌ای از موارد از نظر ریشه شناختی منشاء پیدایش آنها را می‌توان مشخص کرد؛ مانند: "آن سبو بشکست و آن پیمان ریخت" (۲)، "پیاده" (۳)، "بی حساب" (۴)، "آفتاب کسی زرد شدن" (۵)، "آب در هاون کوبیدن" (۶).

۴-۱-۲- سبک عامیانه (محاورة ای)

سبک عامیانه یا محاوره‌ای همان سبک زبانی است که بین مردم در کوچه و خیابان که دارای سطوح متفاوت و متنوع تحصیلاتی، سنی و طبقاتی‌اند، به کار می‌رود. این سبک نه بر پایه زبان معیار، بلکه بیشتر بر زبان کوچه و بازار استوار است. عبارات تخصصی ادبی و به طور کلی عباراتی که خاص سبک کتابی هستند عموماً در این سبک کاربرد ندارند. در مقایسه با عبارات‌های ادبی از نظر ریشه شناختی منبع و منشاء پیدایش این گونه عبارات نا مشخص است و کم‌تر به صورت مکتوب و ثبت شده می‌باشند؛ مانند:

مگس پراندن (بیکار بودن یا کار بیهوده کردن)، سریش/گیر/کلید/سرطان/زگیل/زنج / آویزان (به معنای آدم مزاحم)، بی بی سی (جاسوس یا کسی که از همه چیز خبر دارد)، خیط کردن / ضایع کردن (حاجت و درخواست کسی را برآورده نکردن)، به دو سوت (بلافاصله)، ضد حال زدن / حال گیری کردن (عیش کسی را منقص کردن)، درپیتی (پیش پا افتاده و بی ارزش)، بامبول درآوردن/دبه درآوردن/جر زنی کردن (بهانه گیری کردن یا زیر قول خود زدن)، هوای کسی را داشتن، پشت گرم بودن، پایپ کسی شدن (با کسی درآویختن)، پشت پا زدن (چشم پوشی کردن از چیزی)، پول پارو کردن (با رنج اندک پول بسیار به دست آوردن)، پیش پا افتاده (کم ارزش، حقیر، معلوم، آشکار)، پوزه کسی را به خاک مالیدن (کسی را شکست دادن)، قاطی کردن (از کوره در رفتن، زود عصبانی شدن)، سوتی دادن (خطا کردن)، خر پول (آدم بسیار پولدار).

۴-۱-۳- سبک صنفی

زبان صنفی (ژارگون - jargon) که رانندگان، پلیس‌ها، جراحان، مکانیک‌ها و نمایندگان سایر حرفه‌ها آن را به کار می‌برند و نیز زبان مخفی (آرگو - slang) رایج در بین سارقان، متکدیان، زندانیان و سایر اقشاری که دارای زبان مخصوص به خود هستند، غالباً در شکل واژگان، عبارات و اصطلاحات خاصی بروز پیدا می‌کنند که این اقشار و صاحبان حرفه‌ها آن را به کار می‌برند. همچنین زبان مخفی و عبارات رایج در بین اقشار سنی مختلف به ویژه جوانان دختر و پسر که به دلیل تابو شدن برخی مفاهیم از قبیل: شیوه‌های ایجاد ارتباط و ابراز عواطف، اسامی اعضای بدن، مزاحمان و افعال مربوط به مزاحمت، اسامی و افعال

مربوط به مواد افیونی، الفاظ مربوط به زیبایی و زشتی، اسامی جنس مخالف، نام اشخاص کودن و غیرعادی و غیره رواج یافته از این دسته است، مانند:

خانه امید (به معنای زندان / اصطلاحی برای کسانی که از زندان آزاد شده و جایی را در بیرون زندان ندارند)، دمپایی ابری (به معنای کوکو سیب زمینی خدمت سربازی / اصطلاح پادگان)، دوا/اسپید/سفیدی (به معنای گرد/هروئین /رایج در بین معتادین)، آپول(سیگار بارزده شده با بنگ / اصطلاح معتادین)، فلوت زدن(وافور کشیدن / اصطلاح معتادین)، پنیر (حشیش / اصطلاح معتادین)، تیزی کش (چاقو کش / اصطلاح بزهکاران و زندانیان)، جقه دار (آدم لات و پولدار / اصطلاح بزهکاران و زندانیان)، دایی حسن (مامور زندان)، دایی بزرگ (افسر نگهبان زندان) چسکی (سیگار کم بنگ / اصطلاح معتادین)، چش شهلا (معتاد که تازه مواد مصرف کرده و چشم‌هایش سرخ است / اصطلاح معتادین)، آب شنگولی (شراب)، آتیش خور کردن (حشیش را سرچوب کبریت نمودن و داغ کردن / اصطلاح معتادین)، آدم فروش (جاسوس‌های داخل بند زندان)، آرپی جی زن (وافوری، معتاد)، آس (تک، بهترین / اصطلاح قمار بازها)، آس خشت (بد / اصطلاح قمار بازها)، آس رو کردن (نشان دادن زرنگی و هنر در آخرین لحظات / اصطلاح قمار بازها)، از نماز جمع آوردن زندان (اصطلاح زندانیان)، رو بانده (آماده عروج است / آماده شهادت / روی برانکار / اصطلاح جبهه)، نور بالا زدن (به معنای بسیار مذهبی بودن و رعایت مستحبات است که موجب نورانی شدن فرد می‌شود / اصطلاح جبهه)، حضرت عمل (معتاد کهنه کار)، علف (حشیش)، سیگاری بار کردن (حشیش کشیدن)، مژژژ (علامت سکوت / اصطلاح زندانیان)، آن بودن (حواس جمع بودن / حوزه کاربران کامپیوتر)، خلافتی داشتن (حوزه ساختمان)، یاتاقان زدن (حوزه مکانیک)، موتور پایین آوردن (حوزه مکانیک)، سه کار کردن (حوزه مکانیک)، موتور داغ کردن (حوزه مکانیک)، موتورش ریپ می‌زنه (حوزه مکانیک)، موتور سوزانده (حوزه مکانیک)، حوری شور (به معنای حمام صحرائی / اصطلاح جبهه)، شهردار (مسئول نظافت / اصطلاح جبهه)، کلید بهشت (ترکش / اصطلاح جبهه)، آدم آهنی (کسی بدنش پراز ترکش گلوله است / جبهه)، تجدیدی (فرد مجروح / جبهه)، آهنگران گردان (نیروی خوش صدا / جبهه).

حوزه جوانان

آنتن/ سات لایت/سیور (آدم جاسوس)، سوسمار/موذمار (آدم مرموز و موزی)، بابا اکتشاف (کسی که گمان می کند خبر و موضوع مهمی را مطرح کرده است)، ایکی ثانیه (بلا فاصله)، مخ کسی را تیلیت کردن (کسی را راضی کردن یا حوصله کسی را سر بردن)، ضد حال زدن (خوشی کسی را به هم زدن یا با درخواست کسی موافقت نکردن)، خفن (بی عیب و نقص)، بچه مثبت (آدم بی دست و پا و یا بسیار مودب)، شاسگول / ابولی / گاگول (آدم هالو و ساده لوح)، چراغ سبز نشان دادن (ادبی)، خط دادن/ آنتن دادن / راه دادن / نخ دادن / فزادادن (چراغ سبز نشان دادن، با گفتار یا حرکات یا ایماء و اشاره موافقت خود را اعلام کردن)، برنامه/ مورد (زن خیابانی)، ترمز بریدن / قاط زدن (عصبانی شدن)، سه کردن /گاف دادن (خطا کردن).

۲-۴- از نظر ریشه شناختی

از نظر ریشه شناختی عبارات فرازیولوژی هر زبانی را به طور کلی به سه دسته می توان تقسیم کرد: **الف)** عباراتی که مخصوص زبان ملی هر کشور هستند؛ یا به عبارت دیگر منشاء پیدایش آنها ریشه در زبان ملی هر کشور دارد. این ریشه ها می توانند از نوع تاریخی، دینی و اعتقادی، اسطوره ای، فرهنگی، آیینی، ادبی و مانند اینها باشد. مثل: الخیر فی ما وقع (ریشه دینی /قره - ۲۱۴)، آب پاکی روی دست کسی ریختن (ریشه دینی)، جایی که آب هست تیمم باطل است (ریشه دینی)، اشهد خود را خواندن (ریشه دینی)، روزه شک دار گرفتن (ریشه دینی)، آب نطلبیده مراد است (ریشه اعتقادی)، سپند دود کردن (ریشه آیینی)، جزازراستی را نباید شنود (ریشه ادبی / شاهنامه)، رخس باید تا تن رستم کشد (ریشه ادبی / شاهنامه)، جز از بد نباشد مکافات بد (ریشه ادبی / شاهنامه)، آب حیات (ریشه اسطوره ای)، از قاف تا قاف (ریشه اسطوره ای)، پاکشا کردن (ریشه آیینی)، سرخی تو از من زردی من از تو (ریشه آیینی)، آب انبار شاه عباسی (ریشه تاریخی)، تعارف شاه عبدالعظیمی (ریشه تاریخی)، آتش بیار معرکه (ریشه تاریخی)، باج سبیل (ریشه تاریخی)، ماست ها را کیسه کردن (ریشه تاریخی) و

ب) عباراتی که از زبان بیگانه گرته برداری شده اند؛ مثل: پاشنه آشیل، چراغ سبز، فرار مغرها، تنازع برای بقاء، پیروی کورکورانه، احتیاج مادر اختراع است و.....

ج) عباراتی که از زبان بیگانه وام گرفته شده اند؛ مثل: الخیر مافی وقع، المفلس فی امان الله، خیر الامور اوسطها، الملک بقی مع الشرک ولا یتقی مع الظلم، لاکراه فی الدین، حب الوطن من الایمان، النظافه من الایمان، یدالله مع الجماعه، جوده الکلام فی الاختصار، فیس تو فیس، اوپن ،

۴-۳- از نظر ویژگی‌های معنایی

بحث برانگیزترین موضوعی که در خصوص عبارات فرازیولوژی (فرازیولوژیکی) در بین متخصصین این رشته وجود دارد، جنبه معنایی این عبارات است. سه جنبه دیگر تقریباً مورد توافق اکثر محققین است. همان طور که قبلاً اشاره شد شارل بالی در حوزه معنا معتقد به وجود چهار گونه عبارات فرازیولوژیکی می باشد. در بین محققین روسی به طور کلی دو نوع تفسیر یا به تعبیر دیگر دو گونه برداشت در خصوص دایره معنایی عبارات فرازیولوژیکی وجود دارد: "تفسیر یا برداشت بسته" و "تفسیر یا برداشت باز". برداشت بسته از مفهوم عبارات فرازیولوژیکی مربوط به گروهی از زبان‌شناسان است (مانند مالانکوف آ.ی.) که مرز مشخص و محدودی را برای عبارات فرازیولوژیکی قائل هستند و بر این باورند که این مرز فاصله بین کلمه (که وظیفه نام گذاری دارد) تا جمله (که وظیفه خبری دارد) یعنی همان "ترکیب کلمات" می باشد. گروه دوم دامنه این مرزبندی را از کلمه تا جمله ادامه می دهند (مانند ویناگرادف *Виноградов* و شانسکی *Шанский* که جمله را نیز جزو عبارات فرازیولوژیکی می دانند).

برای اینکه بتوان دآوری نسبتاً درستی در خصوص این دو نوع برداشت داشته باشیم بهتر است در یک نگاه اجمالی مروری داشته باشیم، به تعاریفی که علمای این رشته از آن ارائه می دهند. از آنجائی که مبتکرین اصلی مطرح شدن فرازیولوژی به عنوان یک رشته مستقل در زبان‌شناسی در حقیقت محققین روسی بوده اند، از این رو نمونه تعاریفی را که در ادامه به ارائه آنها خواهیم پرداخت نیز طبعاً از منابع زبان‌شناسی روسی خواهد بود.

طبق تعریفی که در دایره المعارف زبان‌شناسی روسی گفته شده است "فرازیولوژی یک عنوان کلی برای گروهی (یا ترکیبی) از کلمات و جملات خاصی است که از نظر معنایی در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر بوده، به عنوان واحدهای از قبل آماده شده و فیکس شده زبانی در گفتار بکار می روند و امکان ساخت واحدهای تازه زبانی با استفاده از اجزاء آنها وجود ندارد".

رفورماتسکی آ.آ. (Реформатский А.А.) در کتاب "درآمدی بر زبان‌شناسی" اینگونه می‌نویسد: "آن دسته از کلمات یا گروهی از کلمات را که گروه‌های خاصی از مردم به مقتضای حرفه، جایگاه و طبقه اجتماعی خود در گفتار خود از آنها استفاده می‌کنند فرازیولوژی نامیده می‌شود." وی در ادامه این تعریف به عنوان نمونه مثال‌های فراوانی را از عبارات‌های فرازیولوژیکی مورد استفاده در گفتار مردمان طبقات مختلف اجتماعی مانند پزشکان، شکارچیان، ورزشکاران، طبقه‌های کارگر و اشراف ذکر می‌کند.

لکانت پ.آ. (Лекант П.А.) در کتاب "زبان روسی معاصر" می‌نویسد: "فرازیولوژی شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که به مطالعه ترکیب‌های پایدار کلمات می‌پردازد."

علیرغم تعریف‌های گوناگونی که از فرازیولوژی ارائه گردیده و ویژگی‌هایی مختلف معنایی که برای عبارات فرازیولوژیکی تبیین شده است، با قاطعیت می‌توان گفت فصل مشترک تمامی این تعاریف برچند چهار خدشه‌ناپذیر استوار است: ۱- ثابت بودن (پایدار بودن) اجزاء تشکیل دهنده عبارات فرازیولوژیکی و عدم امکان تغییر یا جایگزینی این اجزاء، به عبارت دیگر عبارات فرازیولوژیکی عباراتی هستند که به صورت واحدهای از قبل آماده شده زبانی در هنگام گفتار مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ ۲- شهرت و رواج کاربرد عبارات فرازیولوژیکی نزد کاربران آنها ۳- معنای عبارات فرازیولوژیکی نه بر پایه حقیقت، بلکه بر پایه مجاز، استعاره و کنایه استوار است؛ ۴- اجزاء تشکیل دهنده عبارات فرازیولوژیکی نه به صورت جداگانه، بلکه در ترکیب با یکدیگر و به صورت کلی دارای معنی می‌گردند.

با عنایت به چهار ویژگی مطرح شده بالا، به نظر می‌رسد دامنه عبارات فرازیولوژیکی از کلمه (ونه از ترکیب) شروع شده و می‌تواند تا سطح جمله ادامه یابد. برای اثبات این نظر به ارائه نمونه‌هایی از عبارات فرازیولوژیکی در سطح کلمه، ترکیب و جمله می‌پردازیم.

۵- در سطح واژه

این گونه کلمات غالباً صفت (بیانگر وضعیت و خصوصیات فیزیکی و روحی افراد)، اسم و یا فعل هستند. صفت مانند: تابلو (شخص یا شیئی که ظاهرش سخت متفاوت باشد)، مود (اوضاع روحی کسی)، زگیل (آدم مزاحم)، پیاده (آدم ناتوان، آدم درمانده)، خفن (عالی و بی نقص)، دستمال (آدم چاپلوس)، فان (پسر نازپرورده)، آپاچی (آدم پررو)، الپر (آدم گستاخ)، آتشی (آدم خشمگین)، موجی (آدم عصبی)،

فیلم (آدم حقه باز، فریبکار، همه فن حریف)، آرسن لوپن (آدم حقه باز، فریبکار، همه فن حریف)، آگوز (مرد پرمدعای متفرعن و مضحک)، ابن ملجم/ یزید/ شمر (شخص سختگیر و بدخلق و پرخاشگر)؛ اسم مانند: اسپید (هرئین)، خر (حشیش - یارو خر می فروشه)، معامله (ذکر)؛ فعل مانند: سه کردن (گفتن حرفی یا انجام عملی نابجا که باعث آبرو ریزی و برملاکردن رازی شود)، کلید کردن/پایچ شدن/گیر دادن (مزاحم کسی شدن).

۶-در سطح گروه واژه (ترکیب)

روزه مریم (سکوت کردن و خاموش شدن)، لن ترانی گفتن (نا امید کردن)، سپند دود کردن (تاثیر حسادت آدم حسود را از بین بردن)، چشم شور یا شورچشم (کسی که از روی حسادت باعث وقوع یک اتفاق ناگوار برای دیگری می شود)، پارتی بازی (عدالت را رعایت نکردن)، خرپول (دارای ثروت فراوان - به لحن تحقیر)، خر خوانی (مطالعه طولانی و پرزحمت - به لحن تحقیر)، ابوقراضه (کنایه از اتومبیل فرسوده)، آب زیر گاه (مکار)، دوستی خاله خرسه (کاری که از روی نادانی باعث آسیب رساندن به دوست شود)، اخلاق سگی (اخلاق ناپسند)، استخاره کردن (مردد ماندن)، اصول دین پرسیدن (سوالات طولانی و نامربوط کردن)، مثل آب خوردن (ساده، آسان)، مثل پنجه آفتاب (زیبا)، مثل ابن سعد (سختگیر)، مثل اهل کوفه (بی وفا)، مثل اجل معلق (ناگهانی)، مثل موش آب کشیده (حسابی خیس شده)، یار غار (دوست واقعی)، مثل مار خوش خط وخال (مکار)، از دنده چپ بلند شدن (عصبانی بودن)، به دو سوت (خیلی زود)، مگس پراندن (بیکار بودن)، ناف کسی را با شانس بریدن (خوش شانس بودن)، از دماغ فیل افتادن (مغرور بودن)، شیطان را درس دادن (خیلی مکار بودن)، زیر سیبلی رد کردن (نادیده گرفتن)، نوشدارو بعد از مرگ سهراب (کاری که بی موقع انجام شود)، به گوش خر یاسین خواندن/ آب درهاون کوبیدن (کار بیهوده)، اسکلت برقی (شخص خیلی لاغر)، سماق مکیدن (کار بیهوده)، دو موتوره (زن وشوهر کارمند)، آفتابه خرج لحیم (چیزی که ارزش تعمیر یا مرمت ندارد)، ناخن خشک (آدم خسیس)، معده انبار (آدم پرخور).

۷-درسطح شبه جمله یا جمله واره

یا الله (کنایه از ختم جلسه، کنایه از وارد شدن نامحرم به منزل)، یا علی (کنایه از اعلام دوستی و برادری، کنایه از به‌کاربردن تمام نیرو برای بلند شدن یا بلند کردن چیزی).

۸-درسطح جمله

جوینده یابنده است، سگ زرد برادر شغال است؛ آدم دستپاچه کار را دوبار انجام می دهد؛ عجله کار شیطان است، شکم گرسنه ایمان ندارد؛ آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است؛ آواز دهل شنیدن از دور خوش است؛ با یک گل بهار نمی شود؛ آدم بیسواد کوراست؛ جوجه را آخرپاییز می شمارند؛ الخیر مافی وقع؛ بین الاحباب تسقط الاداب؛ چراغ از بهر تاریکی نگهدار؛ لا اکراه فی الدین؛ حب الوطن من الايمان؛ النظافة من الايمان؛ یدالله مع الجماعة؛ آتش چو برافروخت بسوزد ترو خشک؛ آتش به آتش نتوان کشت؛ شاهنامه آخرش خوش است؛ ستون ملا شدن چه آسان آدم شدن چه مشکل؛ آدم از سنگ سخت تر واز گل نازک تراست؛ آدم بد حساب دودفعه می دهد؛ آدم به امید زنده است؛ آدم بیسواد کور است؛ آدم پولدار روی سیل شاه نقاره می زند؛ آدم خوش حساب شریک مال مردم است؛ آدم گرسنه ایمان ندارد؛ آدم جایز الخطاست؛ بنی آدم اعضای یکدیگرند؛ گاوان و خران باربردار / به زادمیان مردم آزار؛ تو کز محنت دیگران بی غمی / نشاید که نامت نهند آدمی؛ آزموده را آزمودن خطاست.

امروزه درحوزه آموزش زبان انگلیسی دردانشگاهها دو واحد درسی با عنوان "ایدیوم ها" برای دانشجویان دوره کارشناسی زبان انگلیسی ارائه می گردد ودرحوزه آموزش زبان روسی نیز دو واحد درسی تحت عنوان "فرازیولوژی زبان روسی" برای دانشجویان این رشته ارائه می شود که معمولاً درترجمه فارسی درکلاسهای هر دو رشته (زبانهای انگلیسی و روسی) به عنوان درس "اصطلاحات و تعبیرات" از آن یاد می شود. به عقیده نگارندگان، این عنوان یعنی "اصطلاحات و تعبیرات" و نیز برخی عنوانهای مشابه متداول بنا به دلایلی که درادامه به آن ها اشاره می شود ناقص بوده و به جای آن بهتر است از عنوان "عبارت شناسی" یا همان "فرازیولوژی" استفاده شود.

۹- چرا عبارت شناسی؟

چنانکه قبلا اشاره شد فرازیولوژی نام یک رشته علمی است و موضوع تحقیق آن واحد ها یا عبارت های فرازیولوژیکی هستند. به نظر ما "عبارت شناسی" معادل خوبی برای "فرازیولوژی" در زبان فارسی می تواند باشد؛ زیرا: ۱- "عبارت شناسی" از ترکیب واژه "عبارت" به همراه پسوند "شناسی" تشکیل شده است. درحقیقت "عبارت" می تواند جایگزین مناسبی برای واژه یونانی "phrasis" - فرازیس"، و انگلیسی و فرانسوی "phrase" - فریز" و روسی "сборот" - عبارت" باشد. پسوند فارسی "شناسی" که غالبا در زبان فارسی یک پسوند اسم ساز است (اسم معنا) و در بسیاری از موارد معادل پسوند انگلیسی "logy" قلمداد شده است (مانند: فیلو+ لوژی = زبان + شناسی، اتیمو + لوژی = ژرف + شناسی، بیو+ لوژی = زیست + شناسی، رادیو + لوژی = پرتو + شناسی، فیزیو + لوژی = اندام + شناسی، ایمن + لوژی = ایمن + شناسی، هیدرو+ لوژی = آب + شناسی، ایدئو+ لوژی = عقیده + شناسی، میکروب + لوژی = میکروب + شناسی، فونو + لوژی = آوا + شناسی، مورف + لوژی = ریخت + شناسی، هیست + لوژی = بافت + شناسی، و....)؛ ۲- همچنانکه همه عناوین ذکر شده نام رشته های مختلف علمی هستند و هرکدام به کمک روش ها و متدها و ابزار خاصی حوزه های مشخصی از واقعیات زندگی بشری را مورد بررسی قرار می دهد، عبارت شناسی نیز می تواند به عنوان یک رشته علمی و شاخه ای از زبان شناسی که به مطالعه انواع عبارت های گفتاری می پردازد قلمداد شود.

برهمن اساس هیچ یک از عنوان هایی که قبلا ذکر شد از قبیل "اصطلاحات"، "تعبیرات"، "کناپات" ، "تمثیل" ، "ترکیب" و غیره نمی تواند به عنوان یک علم قلمداد شود، بلکه همگی آنها زمینه های مورد مطالعه علوم هستند؛ به عنوان مثال عنوان "اصطلاحات و تعبیرات" که معمولا در زبان فارسی با هم بکار می رود (و بعضا نیز جداگانه به کار می رود) نمی تواند جایگزین مناسبی برای عنوان فرازیولوژی (یا همان عبارت شناسی) باشد. زیرا: ۱- اصطلاحات و تعبیرات نمی تواند به عنوان یک علم باشد. بلکه خود اصطلاحات و تعبیرات به عنوان واحدهای مورد مطالعه علوم می باشند. اگر قرار باشد آن را به عنوان یک رشته علمی محسوب کنیم لاقلا باید از واژه "اصطلاح شناسی و تعبیر شناسی" استفاده نماییم که در آن صورت باید گفت اصطلاحات و تعبیرات یک سری واحدهای زبانی هستند که در حوزه علم اصطلاح شناسی (یا تعبیر شناسی) مورد پژوهش قرار می گیرند؛ ۲- معمولا عنوان رشته های علمی در شمار مفرد

ذکر می شود؛ در صورتی که واژه اصطلاحات و تعبيرات در شمار جمع بکار رفته است؛ مثلاً نمی شود گفت رشته "رادیولوژی ها" یا "زبان شناسی ها"؛ ۳- عنوان "اصطلاحات" تنها به حوزه اصطلاحات گفتاری ختم نمی شود، بلکه در همه حوزه ها ورشته های علمی - تخصصی کاربرد دارد و بر همین اساس فرهنگ لغت های زیادی مانند: فرهنگ اصطلاحات حقوقی، فرهنگ اصطلاحات سیاسی، فرهنگ اصطلاحات اقتصادی و ده ها فرهنگ اصطلاحات دیگر تدوین شده است. در این گونه موارد اصطلاح معادل "ترمین" و اصطلاح شناسی معادل "ترمینولوژی" (Terminology) است (نه فرازیولوژی)؛ ۴- "اصطلاح" یا "تعبیر" تنها در محدوده یک واژه و یا گروه واژه می تواند کاربرد داشته باشد و جمله را دربر نمی گیرد. در صورتی که دامنه عبارت های فرازیولوژیکی می تواند تا سطح جمله گسترش یابد.

فارغ از اینکه عناوینی مانند مثل، یا ضرب المثل، ارسال المثل، تمثیل، اسلوب معادله، تضمین، تلمیح، کلام جامع، زبانزد، اصطلاح عامیانه، حکمت و کلمات قصار، باورهای عامیانه و خرافات، کنایه، ترکیبات، امثال و حکم چه تفاوت ها و تشابهاتی با یکدیگر دارند، باور ما بر این است که همه این عناوین را به عنوان "عبارت های فرازیولوژیکی" می توان در قالب علم فرازیولوژی مورد بررسی و پژوهش قرارداد. البته باید گفت اکثر کارهای تحقیقی که در این خصوص انجام گرفته است، در زمینه فرهنگ نویسی بوده و تحت عناوینی مانند "فرهنگ ضرب المثل ها"، "فرهنگ امثال"، "امثال و حکم"، "مثل شناسی"، "فرهنگ عوام یا فرهنگ اصطلاحات عامیانه"، "فرهنگ کنایات" و مانند اینها انجام شده است. مولفین این فرهنگ ها معمولاً در مقدمه توضیحاتی در مورد تاریخچه جمع آوری و سیر تکامل فرهنگ نویسی در حوزه ضرب المثل ها و امثال را ذکر کرده و بعضاً نیز نقدهایی به آثار یکدیگر داشته اند؛ مثلاً حسن ذوالفقاری در مقاله ای با عنوان "تفاوت ضرب المثل با برخی گونه های ادبی مشابه" اینگونه می نویسد: "یکی از خطاهای مثل نگاران این است که کنایات، عبارات کلیشه ای و زبانزدها و اصطلاحات عامیانه، کلمات قصار و حکمت ها، جملات بزرگان، اشعار معروف، ارسال المثل ها و باورهای عامیانه را نیز جزو امثال می آورند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶، ص ۵)".

به نظر می رسد مقاله حاضر اولین کار پژوهشی است که در آن همه این عناوین در کنار هم و در قالب یک رشته تخصصی از دیدگاه زبان شناسی و معنا شناسی و نه صرفاً از نظر صنایع ادبی و تطور تاریخی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند.

با پذیرش عنوان "عبارت شناسی" به عنوان معادل فارسی برای عنوان خارجی "فرازیولوژی" می‌توان گفت:

"عبارت شناسی" شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که عبارت‌های گفتاری را مورد پژوهش قرار می‌دهد. عبارت‌های گفتاری می‌تواند دارای انواع زیر باشد:

۱- عبارت‌های کنایه‌ای (کنایات)؛ ۲- عبارت‌های تمثیلی (ضرب المثل‌ها)؛ ۳- عبارت‌های عامیانه؛ ۴- عبارت‌های حکیمانه (کلمات قصار)؛ ۵- عبارت‌های کلیشه‌ای (زبان‌دها).

نکته‌ای که در اینجا می‌تواند محل مناقشه باشد واژه "عبارت" است. طبق تعریف دستورنویسان عبارت لزوماً باید بیش از یک کلمه باشد و کلمه به تنهایی نمی‌تواند معرف عبارت باشد. در پاسخ به این نکته باید گفت که منظور از عبارت در اینجا نه عبارت‌های دستوری و مورفولوژیکی بلکه منظور عبارت‌های معنایی است؛ مثلاً هرچند واژه "پیاده" در ظاهر یک کلمه است و از نظر دستوری نمی‌تواند به عنوان یک عبارت قلمداد شود، اما هرگاه این واژه نه در معنای حقیقی خود (یعنی کسی که سواره نیست)، بلکه در معنای مجازی و به عنوان کنایه به کار رود آنگاه مراد و مقصود از کلمه "پیاده" در حقیقت "آدم ناتوان یا آدم درمانده" است که در این صورت می‌توان از آن به عنوان یک "عبارت" نام برد. بر همین اساس، به نظر می‌رسد بر خلاف نظر غالبی که در بین محققین خارجی در خصوص دامنه واحدهای فرازیولوژیکی وجود دارد و معمولاً کلمه را از این قاعده مستثنی می‌کنند، کلمات نیز آنگاه که در معنای غیر حقیقی خود به کار می‌روند و به مرور زبان در بین کاربران یک زبان واقشار مختلف جامعه رواج پیدا می‌کنند می‌توانند به عنوان "عبارت‌های کنایه‌ای" قلمداد شوند؛ مانند: "تصادفی/چپی (آرگو) - دختری که رابطه داشته، تی تی (آرگو) - مامور مخفی، دستمال‌لنگ (آرگو) - آدم چاپلوس، تابلو (آرگو) - شخص یا شیئی که ظاهرش سخت متفاوت باشد، مود (آرگو) - اوضاع روحی، زگیل/سریش/آویزان (عامیانه) - آدم مزاحم.

۱۰- نتیجه گیری

همچنان که فرازیولوژی به عنوان شاخه ای از علم زبان شناسی تاکنون مورد توجه محققان خارجی بسیاری به ویژه زبان شناسان روسی قرار گرفته، به نظر می رسد زمان آن رسیده است تا فرازیولوژی نیز در کنار عناوینی مانند فیلولوژی، فونولوژی، اتیمولوژی و مورفولوژی به صورت خاص مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. گمان می رود این مقاله اولین کار پژوهشی در زبان فارسی باشد که در آن اصطلاحات، تعبیغات، کنایات، ضرب المثل ها، امثال و سایر گونه های ادبی مشابه زبان فارسی را که تاکنون بیشتر از دیدگاه های مردم شناسی، فرهنگ شناسی و فولکلور شناسی و بعضاً نیز از دیدگاه زبان شناسی آن هم در حوزه فرهنگ نویسی صورت گرفته است در چارچوب یک رشته علمی مستقل با عنوان "فرازیولوژی زبان فارسی" به رشته تحریر درآمده و معادل "عبارت شناسی زبان فارسی" نیز برای آن پیشنهاد شده است. با توجه به تازه بودن موضوع مورد بحث، این مقاله نگاهی گذرا و کلی به مسئله عبارت شناسی زبان فارسی داشته است. انتظار می رود: ۱- نگارش این مقاله نقطه آغازی باشد برای طرح موضوع فوق در بین پژوهشگران و به ویژه دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در هنگام انتخاب موضوع پایان نامه ها و رساله های علمی؛ ۲- نگارش مقاله های مشابه موجب شود تا کارهای پژوهشی بر روی عبارت شناسی زبان فارسی از حوزه تدوین فرهنگنامه های معمول فراتر رفته و عبارت شناسی زبان فارسی از جنبه های مختلف به ویژه معنا شناسی، سبک شناسی، ساختار نحوی و دستوری مورد بررسی بیشتر قرار بگیرد.

یادداشت ها

۱- (phraseological units/ фразеологические обороты/ unités phraséologiques)

۲- مثل «آن سبو بشکست و آن پیمانہ ریخت» از مثل های بسیار معروفی است که داستانش در کتاب کلیله و دمنه در حکایت پارسا و بازرگان نقل شده است (ابوالمعالی نصرالله منشی، ص ۳۱۹).

۳- "پیاده" در آثار ادبی به معنای شخص درمانده و ناتوان آمده است. مانند: «اگر چه سخندان باشی از خویشان کمتر آن نمای که دانی تا به وقت گفتار و کردار پیاده نمایی» (یوسفی، ص ۵۵).

۴- "بی حساب" کنایه از ظلم و بیاد است. صائب تبریزی می گوید: شبی چو روز قیامت دراز می خواهم که "بی حساب" تو را یک به یک شمار کند (گلچین معانی، ص ۶۴).

۵- "آفتاب کسی زرد شدن" و بسیاری از عبارات مشابه که در آثار ادبی زبان فارسی فراوان یافت می شود در حقیقت یک نوع "حسن تعبیر یا بهگویی" (euphemism) است از مفهوم "مرگ یا نزدیک شدن وقت آن و پیری".

۶- ناصر خسرو می گوید: بی علم، دین همی چه طمع داری/ درهاون آب خیره چرا سائی (محقق، ص ۱۸۲).

کتابنامه

- ابریشمی، احمد. (۱۳۷۶). *مثل شناسی و مثل نگاری*. تهران: نشر زیور.
- ابوالمعالی نصرالله منشی. (۱۳۸۷). *کلیله و دمنه*. توضیح و شرح لغات و عبارات: حسین حداد، تهران: انتشارات قدیانی.
- ابومحبوب، احمد. (۱۳۷۲). *در تمثیل و ارسال مثل*. رشد آموزش ادب فارسی، سال هشتم، ش ۳۲.
- اکرامی، محمود. (۱۳۸۴). *مردم شناسی اصطلاحات خودمانی: پژوهشی مردم شناسختی در اصطلاحات خودمانی جوانان*. مشهد: نشر ایوار.
- امینی، امیرقلی. (بی تا). *فرهنگ عوام*. تهران: علمی.
- انوری، حسن. (۱۳۸۴). *فرهنگ امثال سخن (۲ جلد)*. تهران: انتشارات سخن.
- برقعی، یحیی. (۱۳۹۴). *کاوشی در امثال و حکم*. چاپ دوم: نشر کتاب.
- بهمنیار، احمد. (۱۳۸۱). *داستان نامه بهمنیاری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پرتوی آملی، مهدی. (۱۳۸۵). *ریشه های تاریخی امثال و حکم (۲ جلد)*. تهران: نشر سنایی.
- حیدری ابهری، غلامرضا. (۱۳۸۵). *حکمت نامه پارسیان*. قم: نشر جمال.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۳). *امثال و حکم (۴ جلد)*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۴). *داستان های امثال*. تهران: نشر مازیار.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۷۸). *تفاوت کنایه با ضرب المثل، دوفصلنامه علمی - پژوهشی "پژوهش زبان و ادبیات فارسی"*، شماره دهم.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۶). *تفاوت ضرب المثل با برخی گونه های زبانی و ادبی مشابه*. فصلنامه نجوای فرهنگ، سال دوم، شماره چهارم.
- سماعی، مهدی. (۱۳۸۲). *فرهنگ لغات زبان مخفی*. نشر مرکز.
- شاملو، احمد. (۱۳۷۸). *کوچه، جلد یازدهم*. تهران: انتشارات مازیار.

- شریفی، شهلا. (۱۳۸۸). بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن. مجله تخصصی زبان شناسی و گویش‌های خراسان دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱.
- شکورزاده، ابراهیم. (۱۳۸۲). دوازده هزار مثل فارسی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- گلچین معانی، احمد. (۱۳۵۶). فرهنگ صائب، موسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- محقق، مهدی. (۱۳۹۰). شرح سی قصیده از حکیم ناصر خسرو قبادیانی، چاپ هیجدهم، تهران: انتشارات توس.
- میرزا نیا، منصور. (۱۳۸۲). فرهنگنامه کنایه. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی عامیانه (۲ جلد). انتشارات نیلوفر.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۸۹). گزیده قابوسنامه. چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

منابع روسی

- Амосова Н.Н. (۱۹۶۳). *Основы английской фразеологии*. - Л.
- Балли Ш. (۱۹۶۱). *Французская стилистика* / Пер. с фр. К.А. Долинина. - М.
- Бушуй А.М. (۱۹۸۷). *Библиографический указатель по фразеологии: Основные вопросы теории фразеологии*. - Самарканд.
- Виноградов В. (۱۹۴۶). *Основные понятия русской фразеологии как лингвистической дисциплины* // Труды юбилейной научной сессии ЛГУ. ۱۸۱۹ - ۱۸۴۴. - Л.
- Виноградов В. (۱۹۷۴). *Об основных типах фразеологических единиц в русском языке* // Академик А.А., Шахматов (۱۸۶۴ - ۱۹۲۰): [Сб. ст.] / Под ред. С.П. Обнорского. - М.-Л.
- Гаврин С. (۱۹۷۴). *Фразеология современного русского языка*. - Пермь.
- Жуков В. (۱۹۸۹). *Семантика фразеологических оборотов*. - М., ۱۹۷۸.
- Копыленко М., Попова З. (۱۹۷۲). *Очерки по общей фразеологии*. - Воронеж: Изд-во БГУ.
- Костамаров В., Максимов В. (۲۰۰۳). *Современный русский язык*. - М.: Гардарики.
- Кунин А. (۱۹۹۶). *Курс фразеологии современного английского языка: Учеб. для ин-тов и фак. иностр. яз.* - ۲-е изд., перераб. - М.: Высш. шк., Дубна: Изд. Центр "Феникс".
- Кунин А. (۱۹۶۴). *Основные понятия фразеологии как лингвистической дисциплины и создание англо-русского фразеологического словаря*: Автореф. дис. ... д-ра филол. наук. - М.
- Ларин Б. (۱۹۵۶). *Очерки по фразеологии* // Очерки по лексикологии, фразеологии и стилистике: Учен. зап./ ЛГУ.

- Лекант П.(۲۰۰۴). *Современный русский язык*, ۲-е изд., испр. – М.: Дрофа.
- Реформатский А.(۲۰۰۴). *Введение в языкознание: Учеб. для вузов*, под ред. В.А. Виноградова – ۵-е изд., испр. – М.: Аспект Пресс.
- Ройзензон Л., Бушуй А.,Ройзензон С.(۱۹۶۴). *Библиографический указатель литературы по вопросам фразеологии*. - Самарканд.
- Шанский Н.(۱۹۶۴). *Лексикология современного русского языка*. –М.:Высшая школа.

منابع انگلیسی و فرانسه

- Bally,C.(۱۹۰۹). *Traite de stylistique francais*. Heidelberg et Paris: C. Winter.
- Bally,C.(۱۹۰۵). *Precis de stylistique*. Geneve: Eggimann.
- Brewer, E.(۱۹۷۱). *Brewer's dictionary of phrase and fable*. London: Cassell.
- Cowie, A. & Mackin R.(۱۹۸۸). *Oxford dictionary of current idiomatic English: Vol. ۲*. Oxford: Oxford University Press.
- Hornby,A.(۱۹۷۴). *Oxford advanced learners' dictionary of current English*. London: Oxford University Press.
- Makkai, A. (۱۹۷۲). *Idiom structure in English*. - The Hague: Mouton.
- Laurence, U.(۱۹۶۸). *The Random House dictionary of the English language*. New York: Random House.
- Weinreich, U.(۱۹۶۴). *Problems in the analysis of idioms: Substance and structure of language*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.